

مطالعات تفسیری آلاء الرحمن

فصلنامه علمی-تخصصی

مطالعات تفسیری آلاء الرحمن

گروه علمی-تربیتی تفسیر و علوم قرآن جامعة الزهراء (ع)

دوره چهارم * شماره سیزدهم * پاییز ۱۴۰۴



بررسی قرآنی سنت وراثت زمین و پیروزی صالحان

لیلا ابراهیمی^۱

زیبا ابراهیمی^۲

مهدی درستی^۳

چکیده

اندیشه تحقق جامعه نمونه در پرتو حاکمیت جهانی صالحان، از محورهای اساسی نظام سیاسی قرآن کریم است. هدف این پژوهش، تبیین مبانی قرآنی وراثت زمین و بررسی نقش بندگان صالح و مستضعفان در تحقق تمدن توحیدی است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی با تکیه بر تفسیر آیات کلیدی شامل آیه ۳۳ سوره توبه، آیه ۹ سوره صف، آیه ۵۵ سوره نور، آیه ۵ سوره قصص و به ویژه آیه ۱۰۵ سوره انبیاء است. سؤال اصلی تحقیق عبارت است از: مبانی قرآنی سنت وراثت زمین چگونه نقش آفرینی تاریخی-اجتماعی مستضعفان و بندگان صالح را در گذار به جامعه نمونه و تکوین تمدن جهانی توحیدی تبیین می‌کند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم، میراث‌داری زمین را نه یک رخداد اتفاقی یا محدود، بلکه سنتی قطعی و وعده حتمی الهی می‌داند که فرجام نیک هستی را برای صالحان تضمین کرده است. بر اساس این آیات، وراثت زمین توسط «عباد صالح» قاعده‌ای کلی در نظام آفرینش است که در همین عالم مادی و در مقیاس جهانی محقق خواهد شد. «الأرض» با الف و لام جنس، دلالت بر حاکمیت فراگیر صالحان بر همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در زمین دارد. تحقق کامل این وعده الهی، نقطه پایان مبارزه حق و باطل بوده و در عصر ظهور حضرت مهدی (عج) و بستر رجعت اولیای الهی به اوج می‌رسد. در این دوران، صالحان نه تنها وارثان قدرت، بلکه پیشوایان و معماران تمدن توحیدی، عدالت فراگیر و سعادت انسانی خواهند بود.

واژگان کلیدی

سنت وراثت زمین، حاکمیت صالحان، وراثت زمین، جامعه توحیدی، استخلاف، مستضعفان.

 ebrahimi.ly1@gmail.com	۱. دانش پژوه سطح ۴، رشته علوم و معارف قرآن، جامعة الزهراء (ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول).
 0009-0002-8901-8081	۲. دانش پژوه سطح ۲، حوزه علمیه خواران، قم، ایران. ۳. دانش پژوه سطح ۳، حوزه سفیران هدایت، قم، ایران.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۵	تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۵
استاددهی: ابراهیمی، لیلا؛ ابراهیمی، زیبا؛ درستی، مهدی (۱۴۰۴). «بررسی قرآنی سنت وراثت زمین و پیروزی صالحان»، مطالعات تفسیری آلاء الرحمن، دوره ۴، ش ۱۳، صفحات ۳۳-۵۵.	

۱. مقدمه

قرآن، غایت‌مندیِ فرآیند آفرینش را در استقرار حاکمیت یگانه‌پرستی بر جغرافیای زمین تعریف می‌کند. فرآیند این غایت از نخستین لحظات خلقت انسان با اعلام اراده تکوینی و تشریعی الهی آغاز می‌گردد: ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ (بقره: ۳۰). بر این اساس، زمین در مالکیت مطلق الهی است و اراده تکوینی خداوند بر آن تعلق گرفته تا در بسترِ زمان، موازنه قدرت به نفع مستضعفان مؤمن و صالح تغییر یابد و حاکمیت الهی محقق شود. قرآن این تحول را در آیه ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (قصص: ۵) نه صرفاً به‌عنوان یک رخداد تاریخی، بلکه به‌مثابه «قاعده‌ای کلی» و «سنتی لایتغیر» تبیین می‌نماید.

با این حال در جهان معاصر، با افزایش پیچیدگی روابط قدرت، گسترش سلطه نظام‌های استکباری و تلاش جریان‌های سلطه‌طلب برای مهندسی آینده جوامع انسانی، مسئله سرنوشت بشریت و فرجام تقابل حق و باطل، اهمیت مضاعفی یافته است. امروزه نظام‌های استکباری با بهره‌گیری از هژمونی رسانه‌ای، سرمایه‌های کلان و فناوری‌های نوین، در پی مهندسی نظم آینده جهان بر مدار منافع خویش و القای جبرگرایی تاریخی هستند. در چنین بستری، پرسش از جایگاه نهایی حق و حاکمیت صالحان در این روند، به یکی از دغدغه‌های اساسی در حوزه مطالعات دینی و آینده‌پژوهی تبدیل شده است. در مواجهه با این وضعیت، قرآن به‌عنوان عالی‌ترین منبع معرفتی اسلام، ضمن تأیید استمرار تقابل حق و باطل، تصویری هدفمند، قطعی و امیدبخش از سیر تکوینی تاریخ ارائه می‌دهد؛ تصویری که بر پایه آن، غایت تاریخ نه در تسخیر دائمی باطل، بلکه در تحقق نهایی «وراثت زمین» (استخلاف صالحان) و حاکمیت جبهه حق استوار است.

با وجود اهمیت موضوع، بررسی تحلیلی ابعاد قرآنی «وراثت زمین» و نسبت آن با پیروزی نهایی جبهه حق، همچنان دارای شکاف‌های پژوهشی است. علاوه بر این، در شرایطی که یأس، بحران معنا و احساس سلطه‌پذیری در بخش‌هایی از جوامع اسلامی تقویت شده، بازخوانی تحلیلی آیات مربوط به آینده جهان و وعده پیروزی حق، می‌تواند در جهت امیدآفرینی، تقویت

هویت دینی و تقویت روحیه مقاومت فرهنگی نقش مؤثری ایفا کند.

از این رو، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که قرآن چگونه مفهوم «وراثت زمین» را تبیین می‌نماید و این مفهوم چه نسبتی با پیروزی نهایی جبهه حق دارد؟ پژوهش با تحلیل جامع آیات مرتبط، در پی آن است تا ابعاد مفهومی این وعده الهی را آشکار سازد و نشان دهد که نگرش قرآن به سیر تاریخ، بر پایه تقابل هدفمند حق و باطل و غلبه قطعی حق بنا شده است.

پیشینه

در مطالعات قرآنی انجام شده در حوزه حکومت صالحان، پژوهش‌هایی با رویکردهای متفاوتی صورت گرفته است که بررسی آن‌ها، ضرورت و زاویه دید پژوهش حاضر را آشکارتر می‌سازد. از باب نمونه:

۱) مقاله «تطور معنای وراثت ارض در تفاسیر؛ گذار از تبیین سرزمینی - اخروی به حاکمیت جهانی صالحان» (ملازاده یامچی و شعیب، نشریه «پژوهش‌نامه نقد آراء تفسیری»، ش ۱۱، ۱۴۰۴ش)؛ این پژوهش با رویکردی تاریخی - تطبیقی، سیر تطور معنایی «وراثت ارض» را در تفاسیر فریقین (از متقدمان تا معاصر) ردیابی کرده است و ماهیتی توصیفی - تاریخی (ردیابی آراء مفسران) با تکیه بر آیه ۱۰۵ سوره انبیاء دارد. پژوهش پیش روی می‌کوشد تا با عبور از سیر تاریخی تفاسیر، به واکاوی استدلال‌های قرآنی و با تکیه بر پیکره‌ای متشکل از آیات (شامل آیات ۳۳ سوره توبه، ۹ سوره صف، ۵۵ سوره نور، ۵ سوره قصص و ۱۰۵ سوره انبیاء) بپردازد تا نشان دهد چگونه وعده وراثت زمین، تضمین‌کننده قطعی پیروزی نهایی حق در تقابل با باطل است.

۲) مقاله «بررسی فضای نزول آیه وراثت زمین با تکیه بر تفاسیر فریقین» (باباعلی، تقدیمی و نکونام، نشریه «پژوهش‌های تفسیر تطبیقی»، ش ۱۳، ۱۴۰۰ش)؛ با رویکرد علمی - پژوهشی، آیه پنجم سوره قصص ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ را با تکیه بر فضای نزول و تفاسیر فریقین بررسی کرده است. نویسندگان نشان داده‌اند که سیاق آیه ناظر به بنی اسرائیل تحت استضعاف فرعون و تحقق پیشوایی و وراثت آنان در سرزمین موعود است. با این حال، با توجه به نزول آیه در دوران پیش از هجرت و فضای استضعاف مسلمانان توسط سران شرک، این آیه بشارتی برای مسلمانان نیز بوده است. در نهایت،

آیه متضمن قاعده‌ای کلی و سنت الهی دانسته شده که مستضعفان در دوران‌های مختلف، به‌ویژه در آخرالزمان، به پیشوایی و وراثت زمین نایل خواهند آمد. این پژوهش به‌طور خاص بر یک آیه (قصص: ۵) و فضای نزول آن متمرکز است. در مقابل، مقاله حاضر دامنه گسترده‌تری از آیات کلیدی را بررسی می‌کند (توبه: ۳۳، صف: ۹، نور: ۵۵، قصص: ۵ و به‌ویژه انبیاء: ۱۰۵) و با تحلیل این مجموعه آیات، سنت وراثت زمین را به‌عنوان قاعده‌ای کلی و وعده حتمی الهی در نظام آفرینش تبیین می‌کند.

۳) مقاله «آینده و وراثت صلحا در قرآن با تأکید بر دیدگاه فخر رازی و علامه طباطبایی»، (صدقی، نشریه «اندیشه علامه طباطبایی»، سال ۵، ش ۸، ۱۳۹۷ ش)؛ با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد کتابخانه‌ای، به بررسی آیات حاکی از آینده امیدوارکننده، وراثت صالحان، جانشینی مؤمنان و غلبه دین حق بر ادیان پرداخته است. نویسنده دیدگاه علامه طباطبایی را با دیدگاه فخر رازی مقایسه کرده است. یافته اصلی پژوهش آن است که از منظر المیزان، غلبه اسلام بر ادیان و تحقق وراثت و استخلاف در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) محقق می‌شود؛ در حالی که مفسران اهل سنت با وجود روایات معتبر فریقین، نظرات پراکنده‌ای دارند و آیات را به‌هم پیوسته نمی‌دانند. برخی مانند فخر رازی وراثت و استخلاف متقیان را به وراثت آنان در بهشت از کافران تفسیر کرده‌اند و عده‌ای نیز استخلاف را بر خلافت سه خلیفه اول پس از پیامبر ﷺ تطبیق داده‌اند. این اثر عمدتاً بر آیات مرتبط با آینده، وراثت و غلبه دین تمرکز دارد و رویکرد تطبیقی بین دو مفسر (طباطبایی و فخر رازی) را محور قرار داده است.

۴) پایان‌نامه «زمینه‌ها و شیوه‌های حاکمیت اسلام در عصر ظهور از منظر قرآن و روایات»، (صدقتی، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد در دانشکده اصول دین، ۱۳۸۵ ش)؛ این پژوهش با تکیه بر منابع قرآنی و روایی، زمینه‌های اجتماعی پیش از ظهور و شیوه‌های اعمال حاکمیت را بررسی کرده است. هرچند این کار بر پیروزی انقلاب اسلامی و تقدم راهبرد فرهنگی تأکید دارد، اما تمرکز اصلی آن بر عصر ظهور است و کمتر به مبانی نظری وراثت زمین در سیر کلی تاریخ پرداخته است.

در مقابل مقاله حاضر به تبیین مبانی قرآنی سنت وراثت زمین می‌پردازد و آن را نه صرفاً یک رخداد تاریخی یا اخروی، بلکه سنتی قطعی می‌داند که در همین عالم مادی و در مقیاس جهانی محقق خواهد شد. تأکید ویژه بر دلالت «الأرض» بر حاکمیت فراگیر صالحان در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، از ویژگی‌های متمایز این پژوهش است. بدین ترتیب، مقاله حاضر ضمن بهره‌گیری از دستاوردهای پژوهش‌های پیشین، با گسترش دامنه آیات، تمرکز بر مبانی قرآنی، برجسته‌سازی ابعاد تمدنی-سیاسی و تأکید بر تحقق جهانی در عصر ظهور و رجعت، خلأ موجود در تبیین سنت وراثت زمین به‌عنوان محور اساسی نظام سیاسی قرآن را پر می‌کند.

۲. مفهوم سنت وراثت

مفهوم «ارث» در لغت عرب، به معنای انتقال چیزی است که پیش‌تر در ملکیت کسی بوده و به واسطه نسبت نسبی یا سببی، به ملکیت دیگری درآمده است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۰۵/۶). برخی لغویون صراحتاً بر عنصر «انتقال» تأکید کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۶۳). هرگاه موضوع ارث از جنس امور مالی باشد، پیوند نسبی یا سببی همان مصداق متعارف این انتقال است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۰۵/۶). اما دامنه معنایی واژه در کاربردهای قرآنی گسترده‌تر می‌شود. در آیه «يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ عَالِ يَعْقُوبَ» (تحریم: ۶) علاوه بر ارث مالی، توارث معنوی همچون علم و نبوت نیز قابل استنباط است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۶۳). این توسع معنایی نشان می‌دهد که وراثت در گفتمان قرآنی صرفاً به امور مادی محدود نمی‌ماند و می‌تواند ابعاد معنوی، علمی و حاکمیتی را نیز دربرگیرد.

از تحلیل مفهوم لغوی و کاربرد قرآنی «وراثت» در آیه زیر می‌توان نتیجه گرفت که تحقق میراث، مستلزم زوال یا پایان مالکیت پیشین است: خداوند می‌فرماید: «أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا» (اعراف: ۱۰۰). به بیان دیگر، تا زمانی که تمدن‌ها و قدرت‌های حاکم بر جهان به سمت نابودی یا افول نروند، نوبت به وراثت صالحان نمی‌رسد. منظور از «سنت وراثت زمین» در گفتمان قرآنی، به ارث بردن همین زمین مادی است که سرانجام کران تا کران آن در

قلمرو قدرت امت اسلام قرار خواهد گرفت و دین آسمانی او جهان گستر خواهد شد: ﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵). این معنا با آیه دیگری تکمیل می شود که مالکیت حقیقی زمین را از آن خداوند می داند و آن را به هر یک از بندگان که بخواهد به ارث می دهد: ﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ﴾ (اعراف: ۱۲۵). بدین سان، وراثت زمین نه امری اتفاقی یا محدود، بلکه سنت الهی و وعده قطعی خداوند است که تحقق آن در مقیاس جهانی تضمین شده است و قرآن کریم بر حقانیت این وعده ها تأکید می ورزد: ﴿أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ﴾ (یونس: ۵۵).

۳. قطعیت و جهان شمولی وعده غلبه نهایی دین حق بر دیگر ادیان

قرآن در دو آیه هم سان، با تأکیدی صریح، غلبه نهایی دین حق بر تمامی ادیان را به عنوان یک وعده قطعی الهی ترسیم می کند: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (توبه: ۳۳؛ صف: ۹)؛ «اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند هر چند مشرکان را ناخوش آید». تکرار این آیه در دو سوره مجزا، خود بیانگر اهمیت این مضمون در فلسفه تاریخ قرآنی است. در این دو آیه، دین حق به مثابه حقیقتی جهان شمول معرفی می شود.

از منظر تحلیل لغوی، واژه «اظهار» از ریشه «ظهر» در منابع لغت و تفسیر، به معنای پیروزی، برتری و غلبه ثبت شده است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳۷/۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۴۱؛ ابن عاشور، بی تا: ۷۴/۱۰). ابن عاشور نیز تصریح می کند که وقتی فعل «ظهر» با حرف «علی» متعدی می شود، دلالت بر برتری و چیرگی دارد (ابن عاشور، بی تا: ۷۴/۱۰). این تحلیل نشان می دهد که وعده قرآن، فراتر از یک پیروزی نظامی یا سیاسی موقت است؛ بلکه به معنای استقرار حاکمیت جهانی دین حق در عرصه تمدنی و اعتقادی است، چنان که حتی مخالفت مشرکان نیز مانعی در برابر تحقق این سنت الهی نخواهد بود.

روایات متعددی بر این نکته تأکید دارند که غلبه دین حق بر تمامی شرایع، یک سنت تخلّف ناپذیر است. امام علی (علیه السلام) در تفسیر این آیه می فرمایند: «يُظْهِرُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ

قیام القائم؛ خداوند اسلام را در زمان قیام قائم بر تمامی ادیان پیروز می‌گرداند» (کلینی، ۱۳۶۵: ۴۳۲/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۶۰/۵).

در همین راستا، حدیث پیامبر اکرم ﷺ دایره این پیروزی را به تمام جغرافیای عالم گسترش می‌دهد: «حَقُّ عَلَيَّ أَنْ أَظْهَرَ دِينَكَ عَلَى الْأَدْيَانِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَغَرْبِهَا دِينٌ إِلَّا دِينُكَ أَوْ يُؤَدُّونَ إِلَى أَهْلِ دِينِكَ الْجُزْيَةَ؛ حق و سزاوار است که دین تو را بر همه ادیان غالب گردانم تا اینکه در شرق و غرب جز دین تو باقی نماند یا اینکه به پیروان دین تو جزیه دهند» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲۲۲/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۴/۱۰). این روایات، افق زمانی و مکانی وعده الهی را به روشنی تبیین می‌کنند.

در منطق قرآن و روایات، پیروزی نهایی دین حق، معلول موازنه‌های کمی و مادی نیست. امام علی علیه السلام در خطبه‌ای از نهج البلاغه، این اصل را چنین بیان می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَمْ يَكُنْ نَصْرُهُ وَلَا خِذْلَانُهُ بِكَثْرَةٍ وَلَا بَقِلَّةٍ وَهُوَ دِينُ اللَّهِ الَّذِي أَظْهَرَهُ وَجُنْدُهُ الَّذِي أَعَدَّهُ وَأَمَدُهُ حَتَّى بَلَغَ مَا بَلَغَ وَطَلَعَ حَيْثُ طَلَعَ؛ پیروزی یا شکست در این جنگ با کثرت یا قلت افراد نیست، بلکه این دین الهی است که خداوند آن را پیروز می‌گرداند و لشکریانش را آماده و یاری می‌رساند تا اینکه به جایی برسد که باید برسد و طلوع کند از آنجا که باید طلوع کند» (سیدرضی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۴۶، ص ۲۰۳). این تحلیل، ماهیت الهی و سنت‌مند پیروزی حق را در تقابل با باطل آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که غلبه نهایی، ریشه در اراده تکوینی خداوند دارد.

این سنت الهی در آیه ۴۸ سوره مائده با توصیف قرآن کریم به «مهیمن» تقویت می‌شود: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ؛ و کتاب را به حق بر تو نازل کردیم که تصدیق کننده کتاب‌های پیشین و حاکم بر آنها است» علامه طباطبائی «مهیمن» را به معنای تسلط و حاکمیت کامل تفسیر کرده است (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۳۴۸/۵).

پیامبر اکرم ﷺ نیز کتاب خویش را «الْمُهَيِّمِ» معرفی می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ كِتَابِي الْمُهَيِّمِ عَلَى كُتُبِهِمُ النَّاسِخَ لَهَا؛ همانا خدای عز و جل کتاب مرا بر کتاب‌های آنان کتاب حاکم و

ناسخ قرار داده است» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱/۴۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۹/۲۹۱؛ ۱۶/۳۲۹). این وصف، جایگاه قرآن را به عنوان آخرین و جامع ترین وحی الهی تثبیت کرده و بر رسالت جهانی آن در ناسخ و غالب بودن بر شرایع پیشین تأکید می‌ورزد.

با وجود تصریح روایات بر قطعیت این وعده، یکی از پرسش‌های مهم در تفسیر این آیات، مربوط به «زمان تحقق» این غلبه جهان‌شمول است. در این زمینه، امام باقر (ع) براساس آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه: ۳۳)، نقل می‌کنند که خداوند متعال دین حق را «در زمان رجعت» بر سایر ادیان ظاهر می‌سازد: «يُظْهِرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي الرَّجْعَةِ» (حسینی بحرانی، ۱۴۱۶: ۱/۷۲۱). این روایت، نکته‌ای راهگشا را در بر دارد: تحقق وعده غلبه دین حق، فرآیندی تدریجی است که در طول تاریخ جریان دارد، اما اوج تجلی و تحقق تام و بی‌چون و چرای آن، در عصر رجعت و در آستانه استقرار کامل حاکمیت توحیدی خواهد بود. به بیان دیگر، رجعت را می‌توان نقطه عطفی دانست که در آن، وعده الهی از مرحله تحقق تدریجی به مرحله تحقق قطعی و جهان‌شمول عبور می‌کند و زمینه را برای وراثت نهایی زمین توسط صالحان فراهم می‌سازد.

این دیدگاه با آیه ۳۲ سوره توبه نیز همخوانی کامل دارد، جایی که خداوند متعال تأکید می‌فرماید: «يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يَتِمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»؛ می‌خواهند نور خدا را با دهان‌های خود خاموش سازند و خدا نمی‌خواهد جز اینکه نور خودش را تمام کند اگر چه کافران ناخشنود باشند» این آیه، اراده الهی بر اتمام و تکمیل نور دین حق را به رغم همه تلاش‌های کافران برای خاموش کردن آن، به تصویر می‌کشد و بر قطعیت و حتمیت غلبه نهایی نور الهی بر تمامی آیین‌های دیگر دلالت دارد.

این مضمون در جای دیگری نیز با تعبیری مشابه تکرار شده است: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مَتِّمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»؛ می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا گر چه کافران را ناخوش افتد نور خود را کامل خواهد گردانید» (صف: ۸). این آیه به صراحت وعده می‌دهد که خداوند، نور خویش را به حد کمال و تمامیت خواهد رساند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹/۲۴۷).

اکثر مفسران قرآن، منظور از «نُورَ اللَّهِ» را دین الهی و به‌طور خاص، اسلام دانسته‌اند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۳۱۶/۴؛ سمرقندی، بی‌تا: ۳/۴۴۴؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۸: ۵۷؛ طوسی، بی‌تا: ۵۹۵/۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۴: ۲۸۲؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۲۸: ۱۷۰). بر اساس این تفسیر، آیه ۳۳ سوره توبه به روشنی بر وعده الهی مبنی بر اتمام و تکمیل نور اسلام تأکید ورزیده و بر غلبه قطعی و نهایی آن بر سایر ادیان و آیین‌ها، علی‌رغم تلاش‌های مخالفان برای خاموش کردن آن، دلالت دارد.

۴. وعده قطعی استخلاف و حاکمیت صالحان

سیر تاریخ بشری، در منطق قرآنی، میدانی برای مواجهه مستمر حق و باطل است؛ تقابلی هدفمند که تا تحقق نهایی وعده الهی و استقرار حکومت جهانی صالحان استمرار خواهد یافت. در این میان، آیه استخلاف به‌عنوان یکی از صریح‌ترین بشارت‌های قرآنی، چارچوب این غایت‌مندی تاریخی را ترسیم می‌کند: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَ لَيُثَبِّتَنَّ لَهُم مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَن كَفَرَ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند وعده می‌دهد که آنها را قطعاً خلیفه روی زمین خواهد کرد، همانگونه که پیشینیان را خلافت روی زمین بخشید. و دین و آئینی را که برای آنها پسندیده‌اید بر جا و ریشه دار خواهد ساخت و خوف و ترس آنها را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آنچنانکه تنها مرا می‌پرستند و چیزی را برای من شریک نخواهند ساخت. و کسانی که بعد از آن کافر شوند فاسقند» (نور: ۵۵)

ظاهر آیه، با تأکید بر فعل مضارع «يَسْتَخْلِفَنَّهُمْ» و تأکیدات لفظی (لام قسم و نون تأکید)، بر قطعیت و تحلف‌ناپذیری این وعده دلالت دارد (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۲۱: ۲۱۳). برخی از مفسران معاصر نیز تصریح کرده‌اند که تحقق کامل این وعده، منحصر به عصر رجعت است (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۲۱/۲۱۴؛ طیب، ۱۳۷۸: ۱۰/۱۸۹).

این آیه سه عنصر اصلی را شامل می‌شود:

(۱) جانشینی صالحان (استخلاف)

(۲) تمکین دین مورد رضایت الهی: استقرار شریعتی که مورد رضایت خداوند و پیامبر ﷺ باشد.

(۳) تبدیل خوف به امنیت با محوریت توحید خالص: مفسران اهل سنت اغلب این آیه را به خلافت خلفای ثلاثه تفسیر کرده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۵۲/۳؛ ثعالبی، ۱۴۱۸: ۱۹۵/۴).

آلوسی در این باره می‌گوید:

«استقرار دین و امنیت کامل تنها در عصر خلافت این سه نفر به وقوع پیوست و

از دیدگاه او، این آیه نافی اتهامات شیعه و اعتباربخش به خلافت آنان است؛ تا

جایی که معتقد است منصفی نمی‌پذیرد منظور از آیه، علی ؑ، مهدی ؑ یا

اهل بیت ؑ باشند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۹۷/۹).

در نقطه مقابل، شیعه بر این باور است که این آیه به حکومت امامان معصوم ؑ و بازگشت صالحان به زمین اشاره دارد. طبق روایات، مفهوم این آیه در زمان حکومت خلفا محقق نشده است. فضل بن یونس در روایتی از امام صادق ؑ نقل می‌کند که وقتی دشمنان مدعی شدند آیه در مورد خلفا نازل شده، حضرت با استناد به واقعیت‌های تاریخی، این ادعا را رد کردند. حضرت پاسخ دادند: «خدا قلوب دشمنان را هدایت نکند! چه زمانی دینی که مورد رضایت خدا و پیامبرش باشد در این امت منتشر شد، در حالی که ترس از قلوب امت و شک از دل‌های آنها در ایام خلافت هیچ‌کدام از آن سه نفر بر طرف نشد؟ در زمان امام علی ؑ نیز مسلمانان مرتد شدند و در عصر خلفا فتنه‌ها و جنگ‌ها برپا بود (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۶۱۹-۶۱۸/۳). این روایت، با استناد به شاخص‌های عینی آیه (تمکین دین و تبدیل خوف به أمن)، بطلان قرائت اهل سنت را اثبات می‌کند.

میراث روایی شیعه، آیه استخلاف را به حکومت امامان معصوم ؑ و به‌ویژه عصر رجعت تفسیر کرده است. روایات متعددی در این زمینه نقل شده است. امام صادق ؑ در پاسخ به پرسشی درباره این آیه، فرمودند: «هُمُ الْأَئِمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛ آنان امامان علیهم السلام هستند»

(حسینی بحرانی، ۱۴۱۶: ۸۹/۴).

در روایتی دیگر، دایره این استخلاف را مشخص‌تر بیان کردند: «تَرَلْتُ فِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَ الْأَيْمَةَ مِنْ وَلَدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛ این آیه درباره علی بن ابی طالب و امامان از فرزندان او علیهم‌السلام نازل شده است» (حسینی بحرانی، ۱۴۱۶: ۹۰/۴).

از سوی دیگر، شیخ حر عاملی با تحلیل ادبی آیه می‌نویسد:

«ضمائر جمع در آیه به شکل صریح بر مسأله رجعت پیامبر ﷺ و ائمه ﷺ دلالت دارد و باید سخن را بر معنای حقیقی خود حمل کرد. اگر آیه را فقط بر خروج حضرت مهدی ﷺ حمل کنیم، لازم است که آن را بر معنای مجازی حمل نماییم، در صورتی که در اینجا چنین قرینه‌ای وجود ندارد» (حرّعاملی، ۱۴۲۲: ۶۷).

می‌توان نتیجه گرفت که وعده استخلاف، نه یک رخداد تاریخی محقق‌شده در گذشته، بلکه یک سنت قطعی الهی است که تحقق تام آن در عصر رجعت و در آستانه استقرار حاکمیت جهانی صالحان خواهد بود. این تحلیل، پیوند میان مفهوم «استخلاف»، «رجعت» و «وراثت زمین» برقرار می‌سازد و نشان می‌دهد که این سه مفهوم، ابعاد مختلف یک حقیقت واحد در فلسفه تاریخ قرآنی هستند.

۵. وعده وراثت زمین و پیوند آن با پیروزی صالحان

مبارزه حق و باطل از عناصر ثابت سیر تاریخ بشریت است و این مبارزه و درگیری تا هنگام پیروزی قطعی حق و تشکیل حکومت جهانی ادامه می‌یابد. در واقع یکی از سنت‌های الهی این است که اگر جامعه‌ای اراده کند تا در مسیر حق و به سوی سعادت حرکت کند، خداوند به آن‌ها کمک می‌کند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خدا را یاری کنید شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد» (محمّد: ۷). در مقابل هرگاه جامعه‌ای راه هدایت را در پیش نگیرد و از مسیر حق منحرف شود، هلاک شده یا به عذاب الهی گرفتار می‌گردد: ﴿وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ﴾ و ما

هرگز آبادی‌هایی را هلاک نکردیم مگر آنکه اهلش ظالم بودند» (قصص: ۵۹).

نظام تدبیر الهی بر آن است که نور توحید، از طریق رسالت پیامبران و مجاهدت امت‌های مؤمن، در سرتاسر جهان تبلور یابد. اگرچه گام‌های بلندی در تاریخ توسط انبیاء برای بسط این نور برداشته شده است، اما تحقق تام و کامل آن به‌عنوان یک نظام جهانی و عدالتی فراگیر، در آینده و تحت حاکمیت صالحان به وقوع خواهد پیوست (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۷/۳۲۹).

هم‌راستا با آیه استخلاف، قرآن تجلی جامعه نمونه و حاکمیت جهانی را تحت عنوان «وراثت زمین» به صالحان وعده داده و با قاطعیت اعلام می‌کند: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ»؛ ما در زبور بعد از ذکر نوشتیم که بندگان صالح من وارث (حکومت) زمین خواهند شد. در این ابلاغ روشنی است برای جمعیت عبادت‌کنندگان» (انبیاء، ۱۰۵ - ۱۰۶). عبارت «وَلَقَدْ كَتَبْنَا» در ابتدای آیه، بیانگر یک سنت قطعی و امر حتمی الهی است (سیدبن قطب، ۱۴۱۲: ۴/۲۴۰). چنان که در آیه «وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ؛ و اگر ما بر آنان می‌نوشتیم که خودتان را بکشید» (نساء: ۶۶) کلمه «کتابت» به معنای «الزام و اوجبنای علیهم» تفسیر شده است (طوسی، بی‌تا: ۳/۲۴۸).

خداوند متعال برای بندگان صالحش، وراثت زمین را در دنیا و آخرت حکم کرده است (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۵/۳۳۷)؛ همان‌طور که در آیه دیگری می‌فرماید: «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ زمین از آن خدا است و آنرا به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) واگذار می‌کند و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است» (اعراف: ۱۲۸) که نوید می‌دهد سرانجام امر، متقین وارث زمین خواهند بود. مفهوم وراثت در منظومه قرآنی، فراتر از انتقال مادی اموال، به معنای جابه‌جایی قدرت، حاکمیت و رهبری از ساحت ظالمان به ساحت مستضعفان و صالحان است. وراثت در واقع بازپس‌گیری و اعاده امانت‌های الهی به صاحبان اصلی آن است. این مفهوم در این آیه به اوج خود می‌رسد؛ جایی که زمین و حاکمیت بر آن، میراث قطعی بندگان صالح معرفی می‌شود.

برخی مفسران «الزبور» را به معنای مطلق کتاب (طبری، ۱۴۱۲: ۸۰/۱۷) و کلمه «ذکر» را به معنای لوح محفوظ دانسته و معتقدند این واژه هم برای تورات و هم برای قرآن به کار رفته است و نمی‌تواند تنها بر یکی دلالت کند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۹۶/۳؛ سمرقندی، بی‌تا: ۲/۴۴۵؛ طوسی، بی‌تا: ۲۸۳/۷؛ میدی، ۱۳۷۱: ۳۱۸/۶؛ نیشابوری، ۱۴۱۵: ۵۶۷/۲؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰: ۴۷۳/۷؛ جرجانی، ۱۳۷۷: ۱۶۶/۶؛ شیر، ۱۴۱۲: ۳۲۲/۱؛ ابن‌عجیبه، ۱۴۱۹: ۵۰۴/۳).

اگر «الزبور» به معنای همه کتب آسمانی و «الذکر» همان ام‌الکتاب باشد، وعده ذکر شده در آیه به یک اصل فراگیر و تکرارشونده در تمامی ادیان اشاره خواهد داشت.

۶. مفهوم «الأرض» و رویکردهای تفسیری

یکی از مباحث مهم در تفسیر آیه «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵) و آیات هم‌سان آن، تبیین مصداق و قلمرو واژه «الأرض» است. با بررسی آراء مفسران فریقین، می‌توان چهار رویکرد تفسیری اصلی را در این زمینه بازشناسی کرد:

الف) رویکرد اخروی: ارض بهشت و دارالثواب

بخش قابل توجهی از مفسران اهل سنت با استناد به قرینه آیه ۷۴ سوره زمر ﴿وَقَالُوا الْحُمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُوهُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ...﴾ آنها می‌گویند: حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به وعده خویش درباره ما وفا کرد و زمین (بهشت) را میراث ما قرار داد که هر جا را بخواهیم منزلگاه خود قرار دهیم. «الأرض» در آیه را به سرزمین بهشت تفسیر کرده‌اند (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲: ۸۲/۱۷؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۳۱۳/۶؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۱۹۲/۲۲؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۳۲۰/۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۳۲۴/۱۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۴/۶۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۴۱/۴؛ حقی بروسوی، بی‌تا: ۵/۵۷۲).

ب) رویکرد جهانی (عام دنیوی): کل گستره زمین و حاکمیت نهایی مستضعفان؛ صالحان بر گیتی

در مقابل، عده‌ای دیگر با استناد به آیه «استخلاف» در سوره نور، آیه ۵۵ ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ؛ خدا به کسانی که ایمان آورده و کارهای

شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین سازد»، «الارض» در آیه را به همین عالم خاکی تفسیر کرده‌اند که در آن، صالحان به قدرت سیاسی و اجتماعی دست می‌یابند (ر.ک: ثعالبی، ۱۴۱۸: ۴/۱۰۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۹/۹۸؛ طنطاوی، بی‌تا: ۹/۲۵۷).

ج) رویکرد منطقه‌ای/موردی (خاص دنیوی): ارض مقدس و جغرافیای شامات

گروهی با تکیه بر آیه ۱۳۷ سوره اعراف و ماجرای بنی اسرائیل ﴿وَأَوْثَرْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا﴾ و مشرقها و مغربهای پربرکت زمین را به آن قوم تضعیف شده (زیر زنجیر ظلم و ستم) واگذار کردیم و وعده نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل، بخاطر صبر و استقامتی که نشان دادند، تحقق یافت»، «الارض» در آیه را به سرزمین‌های مقدس مقید کرده‌اند (ر.ک: سمرقندی، بی‌تا: ۲: ۴۴۵؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳/۲۱۷؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۲/۱۹۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۴/۶۲).

د) رویکرد جانشینی تمدنی (تاریخی-انتقالی): تصرف و وراثت اراضی و دیار مستکبران توسط اقوام مؤمن

برخی دیگر، مقصود از «الارض» در آیه را سرزمین‌های تمدنی اقوامی دانسته‌اند که با کفر و استکبار، حاکمیت خود را از دست داده و توسط امت اسلامی به ارث برده می‌شوند (ر.ک: ابن قتیبه، بی‌تا: ۱/۲۴۶؛ طوسی، بی‌تا: ۷/۲۸۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۳/۱۳۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۱/۳۲۴؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۳/۵۰۸؛ دخیل، ۱۴۲۲: ۱/۴۳۶؛ طنطاوی، بی‌تا: ۹/۲۵۷). به نظر می‌رسد صحیح‌ترین رویکرد، در نظر گرفتن «الف و لام» در کلمه «الارض» به عنوان «الف و لام جنس» باشد. با فرض جنسی بودن این الف و لام، معنای آیه از دایره مصادیق محدود زمانی، مکانی یا صرفاً اخروی فراتر رفته و به حاکمیت فراگیر، مطلق و دنیوی بر «تمامی جهان» اشاره دارد. این تفسیر، هم‌خوانی کاملی با دلالت‌های کلامی آیه استخلاف (نور: ۵۵) و روایات شیعی دارد و ثابت می‌کند که وعده الهی، چیزی جز استقرار حکومت جهانی عدل، امنیت و توحید به دست صالحان (ائمه اطهار علیهم‌السلام و حضرت مهدی موعود علیه‌السلام) در بستر همین زمین و

در سایه سنت رجعت نیست.

٧. تبیین مصداق «عباد صالح»

در تفسیر آیه ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵)، میان مفسران در خصوص مصداق دقیق عبارت «عباد صالح» به عنوان کلیدواژه اصلی وعده الهی برای وراثت زمین، دیدگاه‌های متنوعی مطرح شده است که نشان‌دهنده گستردگی ابعاد این مفهوم و عمق دلالت‌های آن در نظام معارف قرآنی است. بررسی آراء مفسران فریقین، سه رویکرد اصلی را در تبیین مصداق «عباد صالح» آشکار می‌سازد:

الف) دیدگاه حصر مصداقی در بنی اسرائیل

برخی از مفسران با استناد به سیاق آیاتی که به سرگذشت بنی اسرائیل می پردازد، «عباد صالح» را به قوم بنی اسرائیل تفسیر کرده اند (طبری، ۱۴۱۲: ۱۷/۸۲). آنان برای تأیید این مدعا به آیه ۱۳۷ سوره اعراف استناد می کنند که در آن خداوند از به میراث نهادن سرزمین های پربرکت به قوم مستضعف بنی اسرائیل، به پاس صبرشان سخن می گوید: ﴿وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا؛ و مشرق ها و مغرب های پربرکت زمین را به آن قوم تضعیف شده (زیر زنجیر ظلم و ستم) و اگذار کردیم و وعده نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل، به خاطر صبر و استقامتی که نشان دادند، تحقق یافت﴾ در این دیدگاه، وراثت زمین به عنوان سستی تاریخی در بازه زمانی خاص پیروزی موسی علیه السلام بر فرعونیان نگریسته می شود.

(ب) دیدگاه شمول گرایانه (امت اسلامی)

در مقابل، مفسرانی همچون فخر رازی با رویکردی فراگیرتر، معتقدند که مراد از بندگان صالح، وجود مقدس پیامبر اکرم ﷺ و امت ایشان است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۰/۳۵۶). این تفسیر، وراثت زمین را از حصار یک قوم خاص خارج کرده و آن را به عنوان بشارتی مستمر برای امت اسلامی مطرح می‌کند.

ج) رویکرد غایت‌شناسانه و ظهور مهدوی

سومین رویکرد، با نگاهی غایت‌شناسانه، «عباد صالح» را به دوران ظهور و حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) پیوند می‌زند. تأمل در عبارت «إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ» (انبیاء: ۱۰۶) بیانگر آن است که مقوله وراثت زمین، نه یک رخداد محدود تاریخی، بلکه بشارتی راهبردی برای جوامع پرستنده و حقیقت‌جو است. ارتباط منطقی میان این آیه و آیه بعد یعنی «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء: ۱۰۷) نشان می‌دهد که رسالت پیامبر اسلام ﷺ ماهیتی جهانی دارد. مطابق با این نگاه، تحقق کامل وعده وراثت زمین توسط «عباد صالح»، در گرو تجلی تام و تمام رحمت الهی در نظام حاکمیت جهانی است که با ظهور حضرت مهدی (عج) به کمال می‌رسد؛ چرا که در آن دوران، آیین نبوی با کارآمدی حداکثری و عدالت فراگیر، تمامی جهان را تحت پوشش خود قرار می‌دهد (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ۳۳۱/۱).

بر این اساس، برخی مفسران شیعه مصداق اتم «عِبَادِي الصَّالِحُونَ» را حضرت قائم ﷺ و اصحاب او تفسیر کرده‌اند (قمی، ۱۳۶۷: ۷۷/۲؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۴۶۴/۳).

این دیدگاه، آیه را در پیوند تنگاتنگ با آیه «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵) قرار می‌دهد و وراثت را پاداش صالحانی می‌داند که خود در زمره مستضعفان بوده‌اند. جمع‌بندی این رویکردها نشان می‌دهد که تفسیر غایت‌شناسانه، با توجه به انسجام درونی قرآن، روایات معصومین ﷺ و سازگاری با سایر وعده‌های قرآنی (مانند استخلاف و غلبه نهایی دین حق)، از قوت تحلیلی بالاتری برخوردار است و وعده وراثت زمین را به‌عنوان نقطه اوج پیروزی جبهه حق در تاریخ بشری تبیین می‌کند. این نگرش، نه تنها جنبه تاریخی آیه را نفی نمی‌کند، بلکه آن را به مثابه مقدمه‌ای برای تحقق وعده نهایی و جهانی می‌نگرد.

۸. بستر ظهور صالحان و لزوم آمادگی همه‌جانبه جبهه حق

تحقق وعده‌ی الهی وراثت زمین و حاکمیت صالحان، نیازمند بسترهای عملی و آمادگی مستمر جبهه حق است. قرآن برای ارتباط با ملت‌های دیگر و بیگانگان، حفظ اصالت دینی را شرط

اساسی معرفی کرده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ؛ اِی کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی نگیرید﴾ (ممتحنه: ۱) و ﴿وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا؛ و به کسانی که ستم کرده‌اند تکیه نکنید﴾ (هود: ۱۱۳). این آیات، هرگونه وابستگی و تکیه بر جبهه باطل و ظالمان را نفی می‌کنند و بر استقلال عقیدتی و سیاسی جبهه حق تأکید دارند.

دین اسلام جبهه حق را همواره به آمادگی همه‌جانبه و به‌کارگیری تمام قوا امر فرموده است. آیه ۶۰ سوره انفال در این زمینه است: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ؛ در برابر آنها (دشمنان) آنچه توانایی دارید از نیرو آماده سازید (و همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را که شما نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد﴾

علامه طباطبایی ذیل این آیه تأکید می‌کند که عبارت ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ﴾ امری عام به مؤمنین است تا در مقابل کفار، به قدر توانایی خویش تدارکات جنگی و هر آنچه مورد نیاز است، فراهم کنند. این آمادگی، بر اساس فطرت انسانی و ضرورت اجتناب‌ناپذیر مواجهه با دشمن، بر همه افراد جامعه اسلامی واجب است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱۴/۹).

تعبیر آیه به قدری جامع است که بر هر عصر و زمان تطبیق می‌کند. روایات معصومین علیهم‌السلام نیز مصادیق این آمادگی را تبیین کرده‌اند؛ از جمله در تفسیر قمی در ذیل آیه ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...﴾ گفته است که امام علیه‌السلام فرموده: مقصود فراهم کردن اسلحه است (قمی، ۱۳۶۷: ۱/۲۷۹). در کافی آمده است که حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «منظور از ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾ تیراندازی است (کلینی، ۱۳۶۵: ۴۹/۵).

از امام صادق علیه‌السلام روایت شده که مقصود «سَيْفٌ وَ تُرْسٌ» یعنی شمشیر و سپر است (حرّعاملی، ۱۴۰۹: ۱۱: ۴۲۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰۰/۱۹۱).

بنابراین، آمادگی همه‌جانبه - نظامی، اقتصادی، فرهنگی و معنوی - یکی از ارکان اصلی بستر ظهور صالحان و تحقق وعده وراثت زمین است. جبهه حق بدون این آمادگی مستمر، نمی‌تواند زمینه‌ساز حکومت جهانی عدل و توحید گردد.

قرآن برای تبیین سیمای جامعه اسلامی که تحت هدایت صالحان شکل می‌گیرد، الگویی جامع ارائه می‌دهد که ترکیبی از اقتدار بیرونی و تواضع درونی است. در عرصه اقتدار سیاسی و تمدنی، خداوند می‌فرماید: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا؛ محمد فرستاده خدا است و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند، پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی، آنها همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند، نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است، این توصیف آنها در تورات است، و توصیف آنها در انجیل همانند زراعتی است که جوانه های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته، تا محکم شده، و بر پای خود ایستاده است، و به قدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی‌دارد! این برای آن است که کافران را به خشم آورد، خداوند کسانی از آنها را که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام داده اند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است﴾ (فتح: ۲۹).

این آیه، مؤمنان را در برابر کفار سخت‌گیر و در میان خود مهربان توصیف می‌کند؛ جامعه‌ای که نشانه‌های عبادت در چهره‌هایشان نمایان است و وجودشان مایه خشم کفار می‌شود. علاوه بر این اقتدار، «عباد الرحمن» در عرصه تعاملات اجتماعی، نماد تواضع هستند: ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا؛ و بندگان رحمان کسانی هستند که بر زمین با فروتنی و نرمی راه می‌روند، و زمانی که نادانان با آنان سخن گویند، با ملایمت سخن گویند﴾ (فرقان: ۶۳). این مدارا نه از سر ضعف، بلکه از سعه صدر ناشی از باور توحیدی است که مانع از واکنش‌های هیجانی در برابر جهل مخالفان می‌شود.

نتیجه‌گیری

مطابق با آیات ۱۰۵ سوره انبیاء، ۱۲۸ سوره اعراف و ۵ سوره قصص، وعده وراثت زمین توسط صالحان، تجلی سنت لایتغیر الهی است. تحلیل مفاهیم «اظهار دین حق» (توبه: ۳۳ و صف: ۹)، «اتمام نور الهی» (توبه: ۳۲) و «استخلاف در زمین» (نور: ۵۵) نشان می‌دهد که پیروزی جبهه حق، فرآیندی تدریجی اما اجتناب‌ناپذیر است که نقطه اوج آن در عصر ظهور و رجعت محقق می‌شود. بر اساس آیه ۱۰۵ سوره انبیاء، به‌عنوان یکی از صریح‌ترین بیانات قرآنی، وراثت زمین توسط «عباد صالح» نه یک آرمان‌شهر دست‌نیافتنی، نه صرفاً یک رویداد تاریخی محدود به قوم خاصی، و نه منحصر به سعادت اخروی است؛ بلکه قاعده‌ای کلی و سنت پایدار در نظام آفرینش به شمار می‌رود که تحقق آن در همین عالم مادی و در مقیاس جهانی وعده داده شده است. مفهوم «الأرض» با الف و لام جنس، دلالت بر شمول و گستردگی کامل دارد و حاکمیت فراگیر صالحان بر تمامی ابعاد زمین - اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی - را در بر می‌گیرد.

این وعده الهی، نقطه پایانی بر مبارزه طولانی حق و باطل است و نشان می‌دهد که فرجام تاریخ، به رغم همه فراز و نشیب‌ها، پیروزی قطعی جبهه حق و استقرار حکومت صالحان خواهد بود. تحقق کامل این میراث، در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام و در بستر رجعت اولیای الهی به اوج خود می‌رسد؛ جایی که صالحان، نه تنها وارثان قدرت، بلکه پیشوایان و معماران تمدن توحیدی، عدالت فراگیر و سعادت انسانی خواهند شد.

فهرست منابع

قرآن کریم، (۱۳۷۳). ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

نهج البلاغه، (۱۳۷۹). سیدرضی، محمدبن حسین موسی، ترجمه محمد دشتی، چ ۱، قم، مشهور.

۱. ابن عاشور، محمدبن طاهر، (بی تا). التحریر والتتویر، بی جا.
۲. ابن عجبیه، احمدبن محمد، (۱۴۱۹). البحر المذید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره، انتشارات دکتر حسن عباس زکی.
۳. ابن فارس، احمدبن زکریا، (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۴. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، (۱۴۱۹). تفسیر القرآن العظیم، چ ۱، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۵. ابوحیان اندلسی، محمدبن یوسف، (۱۴۲۰). البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دارالفکر.
۶. آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، چ ۱، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۷. باباعلی، فاطمه؛ تقدیسی، محمد مهدی؛ نکونام، جعفر، (۱۴۰۰). بررسی فضای نزول آیه وارثان زمین با تکیه بر تفاسیر فریقین، نشریه «پژوهش های تفسیر تطبیقی»، دوره ۷، ش ۱۳.
۸. بغوی، حسین بن مسعود، (۱۴۲۰). معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، چ ۱، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸). أنوار التنزیل وأسرار التأویل، چ ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۰. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۸). جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، چ ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۱۱. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراہیم، (۱۴۲۲). **الکشف و البیان عن تفسیر القرآن**، چ ۱، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۱۲. جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن، (۱۳۷۷). **جلاء الأذهان وجلاء الأحزان** (تفسیر گازر)، چ ۱، تہران، دانشگاه تہران.
۱۳. حرّعاملی، محمد بن حسن، (۱۳۶۷). **وسائل الشیعة الى تحصیل مسائل الشریعة**، دارالکتب الاسلامیہ.
۱۴. حرّعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۲۲). **الایقاظ من ההجعه بالبرهان علی الرجعه**، چ ۲، قم، دلیل ما.
۱۵. حسینی بحرانی، سیدہاشم، (۱۴۱۶). **البرهان فی تفسیر القرآن**، چ ۱، تہران، بنیاد بعثت.
۱۶. حسینی ہمدانی، سید محمد حسین، (۱۴۰۴). **انوار درخشان در تفسیر قرآن**، چ ۱، تہران، کتابفروشی لطفی.
۱۷. حقی بروسوی، اسماعیل، (بی تا). **روح البیان**، بیروت، دارالفکر.
۱۸. دخیل، علی بن محمد علی، (۱۴۲۲). **الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز**، چ ۲، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۱۹. راغب اصفہانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲). **المفردات فی غریب القرآن**، چ ۱، دمشق - بیروت، دارالعلم الدار الشامیہ.
۲۰. زحیلی، وہبہ بن مصطفیٰ، (۱۴۱۸). **التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنہج**، چ ۲، دمشق - بیروت، دارالفکر المعاصر.
۲۱. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷). **الکشاف عن الحقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل**، چ ۳، بیروت، دارالکتب العربی.
۲۲. سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، (بی تا). **بحر العلوم**، بی جا، بی نا.
۲۳. سید بن قطب، ابراہیم، (۱۴۱۲). **فی ظلال القرآن**، چ ۱۷، بیروت - قاہرہ، دارالشروق.
۲۴. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، (۱۴۰۴). **الدرالمشور فی تفسیر المأثور**، قم، کتابخانہ آیۃ اللہ مرعشی نجفی.

۲۵. شبیر، سیدعبدالله، (۱۴۱۲). *تفسیر القرآن الکریم*، چ ۱، بیروت، دارالبلاغه للطباعة و النشر.
۲۶. شوکانی، محمدبن علی، (۱۴۱۴). *فتح القدير بين فنى الرواية والدراية من علم التفسير*، چ ۱، دمشق، دار ابن کثیر.
۲۷. صادقی تهرانی، محمد، (۱۴۰۶). *الفرقان فى تفسير القرآن بالقرآن والسنة*، چ ۲، قم، انتشارات فرهنگ اسلامى.
۲۸. صادقی تهرانی، محمد، (۱۴۱۹). *البلاغ فى تفسير القرآن بالقرآن*، چ ۱، قم، مؤلف.
۲۹. صداقتی، طیب، (۱۳۸۵). *زمينه‌ها و شيوه‌هاى حاکميت اسلام در عصر ظهور از منظر قرآن و روايات*، پایان‌نامه مقطع ارشد، دانشکده اصول الدین.
۳۰. صدقی، محمد، (۱۳۹۷). *آینده و وراثت صلحا در قرآن با تأکید بر دیدگاه فخر رازی و علامه طباطبائی*، نشریه «اندیشه علامه طباطبائی»، ش ۸.
۳۱. طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷). *الميزان فى تفسير القرآن*، چ ۵، قم، دفتر انتشارات اسلامى جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۲. طبرسى، ابومنصور احمدبن علی، (۱۴۰۳). *الإحتجاج*، مشهد، مرتضى.
۳۳. طبرى، ابوجعفر محمدبن جریر، (۱۴۱۲). *جامع البيان عن تأويل آي القرآن*، چ ۱، بیروت، دارالمعرفة.
۳۴. طنطاوى، سیدمحمد، (بی تا). *التفسير الوسيط للقرآن الکریم*، بی جا، بی نا.
۳۵. طوسی، محمدبن حسن، (بی تا). *التبيان فى تفسير القرآن* (التبيان الجامع لعلوم القرآن)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۶. طیب، سیدعبدالحسین، (۱۳۷۸). *اطيب البيان في تفسير القرآن*، چ ۲، تهران، اسلام.
۳۷. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵). *نورالثقلين*، چ ۴، تهران، اسماعیلیان.
۳۸. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمدبن عمر، (۱۴۲۰). *مفاتيح الغیب*، چ ۳، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰). *کتاب العين*، چ ۲، قم، هجرت.

۴۰. قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴). *الجامع لأحكام القرآن*، ج ۱، تهران، ناصر خسرو.
۴۱. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۷). *تفسیر القمی*، ج ۴، قم، دارالکتاب.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵). *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۳. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴). *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۴. مقاتل بن سلیمان، (۱۴۲۳). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، ج ۱، بیروت، دار احیاء التراث.
۴۵. ملازاده یامچی، رضا؛ شعیب، میثم، (۱۴۰۴). *تطور معنای وراثت ارض در تفاسیر؛ گذار از تبیین سرزمینی-اخروی به حاکمیت جهانی صالحان*، نشریه «پژوهش نامه نقد آراء تفسیری»، ش ۱۱.
۴۶. میبدی، احمد بن ابی سعد، (۱۳۷۱). *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، ج ۵، تهران، امیرکبیر.
۴۷. نیشابوری، محمود بن ابوالحسن، (۱۴۱۵). *ایجاز البیان عن معانی القرآن*، ج ۱، بیروت، دارالغرب الإسلامی.